

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده  
شهر - اسن - المان

## سُکرِ غرور

ای که شدی محترم ، با قلم روزگار  
صفحه کاغذ شده ، پُر خط و نقش و نگار  
حرمتِ اهلِ قلم دان ، که نماید ترا  
زیورِ پُر ارزش ، همچو درّ شاهوار  
مستی به اندازه کن ، موقفِ خود را شناس  
ورنه شود رازِ تو ، پیشِ همه آشکار  
دستِ تملق بیئر ، سجده مکن بر در  
آنکه به ظاهر گل و ، لیک به باطن چو خار  
کارِ تو باشد همیشه ، ریب و ریا و دغا  
مُهرِ هوس بر جبین ، صورتِ دل ، تاپه دار  
رام شد آهویِ ما ، بر غبنِ روزگار  
دانه تزویرِ تو ، چون **لبن**ِ گرگ و مار  
یادِ عزیزی بخیر ، گفت ، مرا پارسال  
پشه چه باشد کُند ، مرغِ دلِ ما شکار  
مست شدی از مقام ، تا که بگویند ، فلان  
مُخترعِ مُبتکر ، کرده چنین ابتکار  
ناز به اندازه کن ، سُکرِ غرورِ شکن  
تانشوی شرمسار ، پیشِ خداوندِ گار  
وعدِ وفا میدهی ، لیک جفا میکنی  
مرد نباشد یک و ، گفته او صد هزار  
ابر بیارد اگر ، میوه دهد هر شجر  
آنکه ندارد ثمر ، قطع شود بهرِ نار

بلبل شوریده ام ، شور و نوا میکنم  
در همه شهر و دیار، دشت و دمن ، کوهسار  
یارب ازین سوزِ دل ، نالهٔ « نعمت » بلند  
کرده رقم اینچنین ، ماند ازو یادگار